

Research Paper

Imperative Strategies for Iranian's Higher Education System in Globalization Age



*Emad Malekinia¹, Zahra Malekinia², Sedighe Feizi³

1. PhD. in Higher Education Administration, Department of Management, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran.
2. MSc., Department of Economics, Faculty of Literature and Humanities, Ilam University, Ilam, Iran.
3. MSc. in Planning, Department of Environmental Education, Management & Planning, Faculty of Environment, University of Tehran, Tehran, Iran.

Use your device to scan
and read the article online



Citation Malekinia, E., Malekinia, Z., & Feizi, S. (2019). [Imperative Strategies for Iranian's Higher Education System in Globalization Age (Persian)]. *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 6(4), 518-545. <http://dx.doi.org/10.32598/JMSP.6.4.518>

<http://dx.doi.org/10.32598/JMSP.6.4.518>



Received: 25 Nov 2015
Accepted: 05 May 2018
Available Online: 01 Jan 2019

Key words:

Globalization, Higher education, University, Market, Financing, Research and technology

ABSTRACT

Globalization concept refers to world compression, ever-increasing consciousness about the world as a whole, and its mutual and real interdependency and integration. The main purpose of this research is to identify and present required strategies for Iran's higher education system in the globalization era. The research method is descriptive-analytic in which the relevant experts analyze the viewpoints and documents of the Iran's higher education system. Research results indicated that higher education system should exercise four strategies for properly reacting to globalization. These strategies include qualitative improvement along the quantitative expansion, diversification the funding resources, research in commercialization and completing the science, technology and wealth chain, and finally, increase the scientific and university transactions at international level. Furthermore, this study recommends solutions for implementing all these strategies one by one.

JEL Classification: Globalization, Higher Education, University

* Corresponding Author:

Emad Malekinia, PhD.

Address: Department of Management, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran.

Tel: +98 (21) 81606426

E-mail: e_malekinia@ut.ac.ir

راهبردهای موردنیاز نظام آموزش عالی ایران در عصر جهانی شدن

* عماد ملکی‌نیا^۱، زهرا ملکی‌نیا^۲، صدیقه فیضی^۳

- ۱- دکترای مدیریت آموزش عالی، گروه مدیریت، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
 ۲- کارشناسی ارشد، گروه اقتصاد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.
 ۳- کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی، گروه مدیریت و آموزش محیط‌زیست، دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

تاریخ دریافت: ۰۴ آذر ۱۳۹۴

تاریخ پذیرش: ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۷

تاریخ انتشار: ۱۱ دی ۱۳۹۷

جهانی شدن، مفهومی است که هم به فشرده شدن جهان و هم به تشدید آگاهی درباره جهان به عنوان یک کل و هم به وابستگی متقابل و واقعی جهان و هم به آگاهی و یکپارچگی جهان اشاره دارد. هدف اصلی این پژوهش، شناسایی و ارائه استراتژی‌های موردنیاز نظام آموزش عالی ایران در عصر جهانی شدن با رویکرد میان‌رشته‌ای است. با استفاده از روش پژوهش توصیفی تحلیلی، در مرحله اول از طریق اجرای تکنیک دلفی مهم‌ترین استراتژی‌های موردنیاز و راهکارهای عملیاتی شدن آن‌ها شناسایی شده و در مرحله دوم با بررسی داده‌های آماری و اسناد مربوطه، وضعیت نظام آموزش عالی کشور تحلیل شده است. نتایج پژوهش حاکی از این است که نظام آموزش عالی کشور برای واکنش مناسب به تحولات جهانی شدن نیازمند درپیش گرفتن استراتژی‌های چهارگانه توسعه کیفی به موازات گسترش کمی، متنوع‌سازی منابع تأمین مالی، تجاری‌سازی تحقیقات و تکمیل زنجیره علم، فناوری و ثروت، افزایش مبادلات علمی و دانشگاهی در سطح بین‌المللی است. در این مقاله، ضرورت‌ها و ویژگی‌های هر یک از استراتژی‌های مذکور بررسی شده و راهکارهایی برای عملیاتی شدن آن‌ها شناسایی و پیشنهاد شده است.

طبقه‌بندی JEL: جهانی شدن، آموزش عالی، دانشگاه

کلیدواژه‌ها:

جهانی شدن، آموزش عالی، دانشگاه، بازار، تأمین مالی، پژوهش و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

* نویسنده مسئول:

دکتر عماد ملکی‌نیا

نشانی: تهران، دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت، گروه مدیریت.

تلفن: ۰۶۴۲۶۰۸۱۶۰ (۲۱) ۹۸+

پست الکترونیکی: e_malekinia@ut.ac.ir

مقدمه

جهانی شدن فرایندی متناقض، مملو از فرصت‌ها و خطرات و آمیزه‌ای از هراس‌ها و آزادی‌هاست؛ فرایندی است که اجتماعات محلی دولت‌ملت را هم، در هم فشرده می‌کند و هم آن‌ها را رهایی می‌بخشد. جهانی شدن به خودی خود نیروی پیچیده‌ای است که تمام جنبه‌های نظام‌های آموزش عالی ملی و جهانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. جهانی شدن موجب حرکت به سمت همکاری، انسجام اجتماعی، توازن اجتماعی، شفافیت و برابری می‌شود و تعداد بیشتری از متقاضیان آموزش عالی را قادر می‌کند تا به آموزش عالی دسترسی داشته باشند و در آن مشارکت کنند. در این مسیر چالش‌های مالی (ناتوانی دولت‌ها در تأمین هزینه‌های رو به افزایش آموزش عالی و لزوم مشارکت ذی‌نفعان در تأمین منابع مالی موردنیاز دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی) مطرح است و در عین حال، آموزه‌های مکاتب اقتصادی تأثیرگذار بر روند جهانی شدن، بر مقوله‌هایی نظیر رقابت، تجارت آزادانه و سلطه رویکرد بازارمحور در آموزش عالی تأکید دارند (ایجینز، ۲۰۰۳).

در قرن ۲۱ با شتاب گرفتن روند جهانی شدن و ظهور اقتصاد دانش بنیان، همه کشورها برای یافتن استراتژی‌های مناسب و شیوه‌های ویژه برای حفظ خود در رقابت در حال رشد در اقتصاد جهانی می‌کوشند. در چنین شرایطی نهاد آموزش عالی به عنوان موتور پیشران مسئولیت‌های خطیر و اهمیت دو چندان خواهد داشت؛ بنابراین، نهاد آموزش عالی برای ایفای نقش و مسئولیت‌های حیاتی خود نیازمند درپیش گرفتن استراتژی‌هایی در حوزه‌های آموزش، پژوهش، تجاری‌سازی علم و فناوری و متنوع‌سازی منابع مالی خواهد بود.

با توجه به مطالب ذکرشده، هدف اصلی این نوشتار تبیین مفهوم، روند و ویژگی‌های جهانی شدن در حوزه آموزش عالی و شناسایی و ارائه استراتژی‌های مورد نیاز نظام آموزش عالی ایران در عصر جهانی شدن خواهد بود. برای تحقق هدف مذکور، با به‌کارگیری رویکرد میان‌رشته‌ای، از دانش و تجربیات رشته‌های علوم سیاسی، علوم اقتصادی و جامعه‌شناسی بهره گرفته می‌شود.

۱- ادبیات موضوع

به منظور فهم جامع و دقیق‌تر جوانب مختلف جهانی شدن و شناخت اثرات آن بر نهاد آموزش عالی، ابتدا لازم است برای ورود به مبحث اصلی مقاله، تعاریف متنوع صاحب‌نظران مختلف بررسی شود. به همین دلیل در سطور زیر به تعارف رایج مفهوم جهانی شدن پرداخته خواهد شد:

رابرتسون^۱ (۱۹۹۲) جهانی شدن را به عنوان «یک مفهوم که اشاره به فشرده‌سازی جهان و تشدید آگاهی از جهان به عنوان یک کل دارد» تعریف می‌کند.

گل محمدی (۲۰۰۲)، «جهانی شدن را فرایند فشرده‌گی فزاینده زمان و فضا که به واسطه آن، مردم دنیا کم و بیش و به صورتی نسبتاً آگاهانه در جامعه جهانی واحد ادغام می‌شوند» تعریف می‌کند.

1. Robertson

گریسولد^۲ (۲۰۰۶) جهانی‌شدن را افزایش آزادی تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی و ادغام اقتصادهای ملی در این فرایند می‌داند. این تعریف پنج موضوع مرتبط و مجزا را در خود جای داده است: ۱. تمایل رو به رشد شرکت‌ها برای فعالیت و سرمایه‌گذاری در سراسر جهان، ۲. سهولت و ارزانی در ارتباطات که اینترنت جنبه پیشرو در این مورد است، ۳. تمایل به روند همگرایی اقتصادی بین‌المللی که به افول اهمیت مرزهای سیاسی منجر خواهد شد، ۴. افزایش اهمیت مسائل و مشکلات در ورای مرزهای ملی و انگیزه ناشی از آن برای حل این مشکلات از طریق فعالیت‌های هماهنگ و جهانی، ۵. تمایل به سمت همسانی یا هماهنگ‌سازی که در این امر هنجارها، معیارها، قوانین و فعالیت‌ها نه در داخل مرزهای دولت‌ملت، بلکه با توجه به مناطق یا کل جهان، تعریف و تقویت می‌شوند.

از نظر گیدنز^۳ (۱۹۹۹)، جهانی‌شدن بیشتر در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. در نظر او انقلاب ارتباطات که باعث گسترش دانش و تجربه انسان‌ها شده است، همه ابعاد زندگی شخصی و جنبه‌های گوناگون حکومت و سیاست را متحول کرده است. او آن را منشوری سه‌بعدی یا جسمی سه‌بعدی تلقی می‌کند که به‌ویژه جنبه اقتصادی آن، اختیارات دولت‌ها را سلب می‌کند و در عین حال پیامدهای متفاوتی را به دنبال دارد. به این معنی که با فشار خود به دولت‌ها باعث به‌وجود آمدن امکانات تازه و برانگیختن انگیزه‌های جدید، برای کسب هویت و استقلال فرهنگی می‌شود. همچنین جهانی‌شدن را به درهم گره خوردن رویدادهای اجتماعی و روابط اجتماعی سرزمین‌های دوردست با تاروپود موضعی یا محلی جوامع دیگر تلقی می‌کند؛ پدیده‌ای که می‌توان آن را نوعی تلاقی حاضر و غایب دانست.

درنهایت، شولت^۴ (۲۰۰۳) با رجوع به ادبیات معاصر پنج تعریف کلی از جهانی‌شدن را به شرح زیر ارائه می‌دهد:

الف) جهانی‌شدن به معنای بین‌المللی‌شدن: این تعریف، رشد تبادل بین‌المللی و وابستگی بین کشورها را توصیف می‌کند و تعریفی جدید از روابط بین کشورها و جایگزینی اقتصاد بین‌المللی به جای اقتصاد ملی ارائه می‌دهد.

ب) جهانی‌شدن به معنای آزادسازی: میزان تعریف جهانی‌شدن در ارتباط با فرایند حذف موانع تجاری و کنترل سرمایه است که از طرف دولت بر تحرکات بین کشورها تحمیل می‌شود. در این معنی، هدف، ایجاد دنیای اقتصادی بدون مرز است.

ج) جهانی‌شدن به معنای همگانی و یکی‌شدن: بر اساس این تعریف، جهانی‌شدن فرایند اشاعه کالاها و ایده‌ها و تجربیات به مردم سراسر دنیاست، که در این زمینه می‌توان به اشاعه کامپیوتر و ماهواره و وسایل ارتباطی مثل تلفن همراه اشاره کرد.

د) جهانی‌شدن به معنای غربی‌شدن یا مدرنیزه‌شدن: این تعریف، جهانی‌شدن را به معنای نیروی پویایی

2. Griswold
3. Giddens
4. Scholte

می بیند، که در آن ساختارهای مدرنیته مانند کاپیتالیسم، صنعتی شدن و بوروکراسی، بر دنیا چیره می شود و فرهنگ های موجود محلی را نابود می کند.

ه) جهانی شدن به معنای قلمروزدایی یا توسعه ادغام قلمروها در هم و تبدیل آن به قلمرو واحد: در این تعریف، جهانی شدن به معنی برهم زدن و برداشتن فضاها، محدوده ها، فاصله ها و مرزهای جغرافیایی است.

با توجه به تعاریف ارائه شده، می توان گفت جهانی شدن پدیده و روندی است که ابعاد مختلف جوامع بشری را تحت تأثیر قرار داده و موجب تسهیل و تسریع مرادوات (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) بین انسان ها، نهادها، سیستم ها و سازمان های مختلف در درون، میان و ورای مرزهای ملی کشورها شده است؛ بنابراین، نظام آموزش عالی به طور اعم و دانشگاه ها به طور اخص، از این امر مستثنا نیستند و به انحای مختلف تحت تأثیر جهانی شدن قرار گرفته اند. در نتیجه، ضرورت دارد ابعاد مختلف جهانی شدن واکاوی شود و اثرات، چالش ها و فرصت های ناشی از آن شناسایی شود تا امکان تدوین استراتژی ها و خط مشی های مناسب برای مواجهه با آن فراهم شود.

همان گونه که اشاره شد، جهانی شدن یک پدیده چندوجهی است که در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آشکار شده است. از آنجا که منطق سیاسی، فرهنگی و علمی در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به سمت بین المللی شدن هدایت شده است، در دهه گذشته منطق اقتصادی نقش برجسته ای را ایفا کرده است. ایدئولوژی اقتصادی جهانی شدن که خواستار تقدم بازار است به یکی از ویژگی های تعریف آموزش عالی در قرن بیست و یکم تبدیل شده است. افزایش سرعت و پیچیدگی جریان های دانش جهانی و تبادل شتابنده ایده های آموزشی، شیوه ها و سیاست ها که از طریق توانایی های ایجاد شده با فناوری های جدید تسهیل شده اند، به عنوان گردانندگان اصلی جهانی شدن محسوب می شوند.

تغییر بازارهای کار برای دانشجویان و استادان، بازتاب یکی از تغییرات عمده در سیاست های آموزش عالی است. مؤسسات آموزش عالی در کشورهای مختلف در حال پذیرش گروه نسبتاً جدیدی از دانشجویان در خارج از مرزهای ملی هستند. در این زمینه تلاش های بسیاری برای استفاده از فناوری های جدید الکترونیکی برای گسترش ثبت نام و به منظور افزایش بقا و سودآوری سرمایه گذاری های بین المللی در جریان است. داگلاس ادعا می کند تمایل نهادها، چه به صورت عمومی یا خصوصی، برای افزایش ثبت نام دانشجویان بین المللی به منزله عاملی نسبتاً جدید در آموزش عالی محسوب می شود. این تمایل عمدتاً به نگرانی ها و دغدغه های اقتصادی و علمی (از جمله برای افزایش کیفیت گروه های دانشجویی) مربوط است. با این حال، بیشترین انگیزه، برای کسب درآمد جدید است (داگلاس، ۲۰۰۵).

آموزش های چندملیتی یکی از مظاهر قوی تأثیر جهانی شدن بر آموزش عالی است. تعداد دانشجویان چندملیتی در سراسر جهان که هم سابقه تحصیل در خارج از کشور را برای گرفتن مدرک دانشگاهی داشته اند و هم سابقه تحصیل در دانشگاه های خارجی در کشور مادری خود را داشته اند، در دهه گذشته به طور چشمگیری

افزایش یافته است. بر اساس پیش‌بینی سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۵ در سال ۲۰۲۵ حدود ۷ میلیون دانشجوی فراملی وجود خواهد داشت. جنبه‌های مثبت آموزش‌های چندملیتی عبارتند از: گسترش فرصت‌های آموزشی در سطوح مختلف آموزش عالی با ارائه انتخاب بیشتر برای شهروندان در هر حوزه ملی، به‌چالش کشیدن نظام آموزش سنتی با معرفی بیشتر رقابت و برنامه‌های ابتکاری و ارائه روش و کمک به رقابتی‌تر کردن آموزش عالی، کمک به تنوع‌بخشی بودجه آموزش عالی و با بهره‌گیری از ارتباط با مؤسسات معتبر، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه (گوری‌رسنبلیت، سبکوا و تیچلر، ۲۰۰۷).

یکی از بدیهیات در بازار جهانی آموزش عالی وجود تغییر پیوسته و انتظارات در حال تغییر است. داگلاس ادعا می‌کند که در عصر جهانی شدن دوام و ثبات در سیستم‌های آموزش عالی کمتر از انعطاف‌پذیری و خلاقیت اهمیت خواهند داشت (داگلاس، ۲۰۰۵). باید توجه داشت که ما نمی‌توانیم روندهای جهانی شدن را حذف کنیم یا نادیده بگیریم، حتی اگر برخی از نتایج جهانی شدن را دوست نداشته باشیم، باید خود را با روندهای جهانی شدن سازگار و آن را رصد کنیم تا بتوانیم از فرصت‌های آن بهره‌برداریم و تهدیدهای آن را برطرف کنیم و در عین حال مراقب زمینه‌ها و ساختارهای ملی نیز باشیم (ویلر، گوری‌رسنبلیت و ساویر، ۲۰۰۸).

بخش زیادی از مطالعات موردی به پیچیدگی جهانی شدن در تأثیرگذاری بر آینده آموزش عالی اشاره دارند. داگلاس^۶ (۲۰۰۵)، ادعا می‌کند در حقیقت جهانی شدن رنگ و بو و درون‌مایه ملی و محلی دارد^۷، به این معنی که هر محیط دانشگاهی به نیازهای جهانی شدن به یک شیوه منحصر‌به‌فرد که بازتابی از فرهنگ دانشگاهی غالب در هر مجموعه‌ای است پاسخ می‌دهد. تعیین تجارب و پاسخ‌های مؤسسه‌های مختلف ممکن است به ما کمک کند تا با آمادگی بیشتری تأثیر حقیقی جهانی شدن و مسیر آینده برای آموزش عالی را در مکان‌های گوناگون درک کنیم.

اسکات (۱۹۹۸) اشاره می‌کند که همه دانشگاه‌ها موضوع فرایندهای جهانی شدن هستند با وجود این برخی از آن‌ها ابزارهای جهانی شدن، برخی قربانیان جهانی شدن و برخی از آن‌ها به عنوان عوامل کلیدی جهانی شدن مطرح هستند. او در بخش دیگری اظهار می‌کند دانشگاه‌ها در درون سیستم‌های ملی جای گرفته، به زمینه‌ها و ساختارهای ملی قفل شده‌اند و اکثریت آن‌ها هنوز هم مؤسسات دولتی هستند. در عین حال جهانی شدن به طور اجتناب‌ناپذیری جزء لاینفک ظهور جامعه دانشی است که در آن کالاهای نمادین، برندهای جهانی و غیره تجارت و مبادله می‌شود. تنش‌هایی که به واسطه چنین دوگانگی‌هایی ایجاد شده‌اند لزوماً منجر به تغییر و اصلاح می‌شوند. دولت‌ها به سمت راهبردی آموزش عالی حرکت می‌کنند با این امید که جایگاه آموزش عالی بازتعریف شود و اثربخشی و کارایی مؤسسات آموزش عالی ارتقا پیدا کند.

از لحاظ بهره‌مندی از مزایای جهانی شدن، تفاوت‌های شدیدی بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه و بین نظام‌های آموزش عالی مختلف در درون یک کشور خاص وجود دارد. برخی از دانشگاه‌ها به میزان بیشتری

5. The Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

6. Douglass

7. All globalization is local

از کمک‌های سخاوتمندانه بهره‌مند و به گونه‌ای سازماندهی شده‌اند تا در قالب و گستره وسیع‌تری از کارکردها (آموزش، پژوهش، خدمات تخصصی و غیره) در بافت جهانی، خدمات خود را ارائه دهند، در حالی که بسیاری از دانشگاه‌های دیگر باید در درجه نخست بر رفع نیازهای دانشی اکنون و آینده جوامع ملی‌شان تمرکز کنند و موقعیت تخصصی ویژه‌ای را که دارند، توسعه دهند (نیو، ۲۰۰۰؛ ویلر و همکاران، ۲۰۰۸).

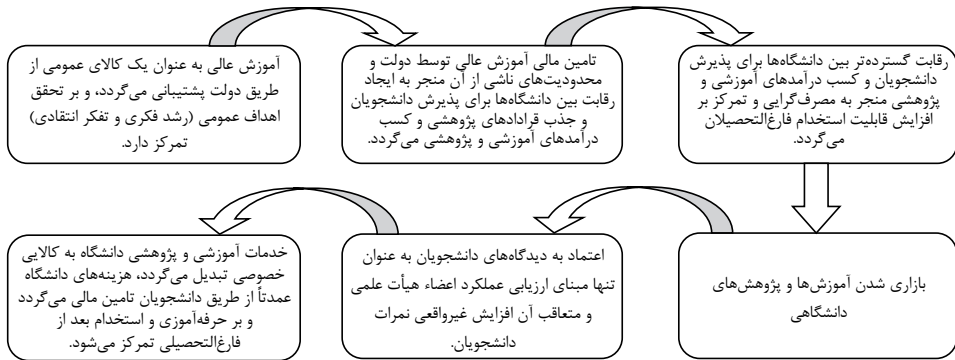
به عقیده دلانتی^۸ (۲۰۰۸)، مهم‌ترین تحولات الگوی فعلی دانش در دانشگاه‌ها که متأثر از فرایند جهانی شدن بوده به این شرح است: نخست، اگرچه دولت هنوز سرمایه‌گذار اصلی در حوزه دانش است، ولی دیگر تنها متولی و بازیگر تولید دانش نیست. درست است که دولت یارانه‌های اعطایی به بخش دانش را افزایش داده است، اما منابع دیگری غیر از دولت نیز در حال تولید دانش هستند. دوم، آنکه جامعه معاصر به سمت وابستگی بیش از پیش به دانش، به‌ویژه در بخش تولید اقتصادی، مقررات سیاسی و زندگی روزمره پیش می‌رود. این سخن یعنی ما در حال حاضر در جامعه دانش، به منزله آخرین مرحله از خط سیر یک جامعه پسا صنعتی اطلاعاتی زندگی می‌کنیم.

تحول سوم در الگوی دانش، آن است که در نتیجه آموزش توده‌ها، اعتراضات اجتماعی، بروز جنبش‌های جدید اجتماعی و همچنین در اثر ظهور انواع جدیدی از تکنولوژی‌های اطلاعاتی، دانش بیش از قبل در جامعه گسترش پیدا کرده است. دیگر، علم و دانش محدود به نخبگان نیست، بلکه در دسترس عموم قرار دارد؛ بنابراین، دیگر نمی‌توان دانش غیر تخصصی را از دانش تخصصی جدا کرد. تحول چهارم و آخر، شامل دموکراتیزه شدن حوزه دانش به دنبال گسترش اعتراض‌پذیری در این حوزه است. در شرایطی که بازیگران بیشتری وارد حوزه تولید دانش می‌شوند، مشروعیت بخشی از نخبگان قدیمی این حوزه بیش از پیش اعتبار خود را از دست می‌دهد. به دنبال آن با زوال مشروعیت علمی و افزایش درخواست‌های عمومی برای پاسخگوبودن علم و تکنولوژی، فرهنگ مهارت و تخصص دچار بحران می‌شود (دلانتی، ۲۰۰۸).

امروزه بسیاری از مؤسسات آموزش عالی در سطح جهانی در واکنش به تغییرات ناشی از جهانی شدن، اقدامات و سیاست‌های مختلفی را به کار گرفته‌اند. این واکنش‌ها منجر به تغییرات بنیادین در سیستم مدیریتی، برنامه‌های آموزشی و پژوهشی، تأمین مالی و نحوه تعامل دانشگاه‌ها با ذی‌نفعان شده است؛ بنابراین در سطور ذیل به برخی از مهم‌ترین واکنش‌های مؤسسات آموزش عالی در مواجهه با جهانی شدن اشاره خواهد شد.

۱. خصوصی‌سازی: اصطلاح خصوصی‌سازی در آموزش عالی به فرایند یا گرایشی اطلاق می‌شود که در آن دانشگاه‌ها (اعم از دولتی و خصوصی) منش‌ها یا هنجارهای عملی مربوط به بخش خصوصی را در پیش می‌گیرند (وارگس، ۲۰۰۴). خصوصی‌سازی دال بر جهت‌گیری نسبت به دانشجو به عنوان مشتری، پاسخگویی بیشتر به ذی‌نفعان، توجه به اعتبار مؤسسات رقیب و وضعیت بازار کار، قیمت و افزایش درآمد خالص و بازاریابی فعال است. خصوصی‌سازی همچنین بیانگر انطباق روش‌های مدیریتی با شیوه‌های رفتاری شرکت‌های تجاری خصوصی، از جمله انعقاد قرارداد، کاهش هزینه‌های حقوق‌بگیران، تصمیم‌گیری‌های قاطع، کاربرد گسترده

8. Delanty



تصویر ۱. روند و نتایج بازاری شدن آموزش عالی

سنجش‌های حسابرسی، اصرار بر اینکه هر واحد (گروه یا برنامه آموزشی) باید به سوددهی سازمان یا دست‌کم موفقیت آن کمک کند، نیز هست (پن و وی، ۱۹۹۵).

۲. بازاری یا کالایی شدن دانش: افزایش کالایی شدن دانش با عنوان مالکیت فکری، به‌ویژه با توجه به ارتباط کار فکری دانشگاه‌ها با منافع و اولویت‌های جامعه، تجارت و دولت‌ها اتفاق افتاده است. کالایی شدن ضرورتی برای متنوع کردن منابع تأمین مالی دانشگاه است. برخی از محققان مانند سلوتر و لزلی^۹ (۱۹۹۷) روند بازاری شدن مؤسسات آموزش عالی برای پاسخگویی به بازار جهانی آموزش عالی را سرمایه‌داری آکادمیک نامیده‌اند.

همان‌گونه که در تصویر شماره ۱ نمایش داده شده است، بازاری شدن آموزش عالی منجر به نگاه به آموزش و پژوهش دانشگاهی به عنوان کالاهای خصوصی، تأمین هزینه‌های آموزش و پژوهش از سوی ذی‌نفعان و تأکید بر حرفه‌آموزی و استخدام بعد از فارغ‌التحصیلی خواهد شد (جادسون و تیلور، ۲۰۱۴).

۳. پاسخگویی: با توجه به کاهش بودجه در دسترس آموزش عالی و افزایش تقاضا برای اختصاص منابع مالی بیشتر به دانشگاه‌ها: الف) دولت‌ها باید شرکت‌های حسابرسی را برای نظارت بر بودجه دانشگاه‌ها به کار گیرند. ب) با استفاده از تضمین کیفیت، دانشگاه‌ها را به رقابتی شدن ترغیب کنند. ج) ارزیابی‌های پژوهشی و شاخص‌های عملکردی مختلف را برای تعیین نحوه و میزان تخصیص منابع به کار گیرند (دلانتی، ۲۰۰۱). لزوم پاسخگویی دانشگاه‌ها به ذی‌نفعان موجب شده دانشگاه‌ها به سمت دانشجوی‌محتری‌مداری حرکت کنند. مهم‌ترین ویژگی دانشگاه در عصر جهانی شدن این است که به دانشجو به مثابه مشتری و مصرف‌کننده نگریننده می‌شود. در نتیجه، دانشگاه جدید به ناچار باید اصول پاسخگوبودن، جلب رضایت مشتری و تلاش برای بازاریابی خدمات آموزشی و پژوهشی را جزء اصول مدیریت و سازمان خود قرار دهد.

9. Slaughter & Leslie

۴) مدیریت‌گرایی^{۱۰}: گفتمان مدیریت‌گرایی در آموزش عالی در حال فراگیر شدن است، این گفتمان از بخش خصوصی به بخش‌های دولتی و آموزش عالی وارد شده است. این مسئله دربرگیرنده تمرکز بر نتایج به جای درون‌دادها، سنجش‌های کنترل کیفیت، نگرانی برای کارایی و بهره‌وری و تمرکز بر خدمات‌رسانی به ارباب رجوع است که در تضاد با استقلال حرفه‌ای و روابط همکاران است. می‌توان گفت مدیریت‌گرایی در نظام‌های دانشگاهی مبتنی بر این موارد است: الف) رقابت میان ارائه‌کنندگان خدمات دانشگاهی (عرضه‌کنندگان) و توجه به نیازها و اولویت‌های مصرف‌کنندگان (متقاضیان) این خدمات؛ ب) خلق و استقرار اهداف، شاخص‌ها و استانداردهای شفاف و معتبر به منظور ارزیابی نتایج عملکردی دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها و مقایسه آن‌ها با یکدیگر با هدف ارتقای کیفیت و رتبه‌بندی آن‌ها از دیدگاه ذی‌نفعان؛ ج) پیروی از اصول بازار و مقابله با انحصارگرایی در ارائه و خرید خدمات دانشگاهی؛ د) تخصیص منابع مالی دولتی به دانشگاه‌ها بر اساس برون‌دادها و پیامدهای دانشگاهی و نه بر اساس درون‌دادها و فرایندهای دانشگاهی؛ ه) کاهش تصدی‌گری دولت در نظام آموزش عالی و ایفای نقش دولت به عنوان سیاست‌گذار کلان، هدایت‌کننده و تنظیم‌کننده روابط نظام آموزش عالی با سایر نظام‌های موجود در جامعه؛ و) مدیریت هزینه‌ها به منظور ارتقای کارایی، اثربخشی و بهره‌وری دانشگاه‌ها.

نظام آموزش عالی مانند هر نهاد دیگری در مواجهه با روند جهانی شدن، چالش‌ها و فرصت‌های متنوعی در مقابل دارد؛ بنابراین، در ادامه، ابتدا مهم‌ترین چالش‌ها و سپس مهم‌ترین فرصت‌های نظام آموزش عالی در مواجهه با روند جهانی شدن، برشمرده خواهد شد:

۱. به‌حاشیه‌رفتن برنامه‌های آموزشی و پژوهشی بنیادی: در عصر جهانی شدن نقش دولت‌ها در تأمین مالی آموزش عالی کمرنگ شده و بخش خصوصی به صورت گسترده‌تری به این عرصه ورود پیدا می‌کند. به همین دلیل، مدیران دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در قالب رویکردهای بازارگرایی، فایده‌گرایی، کاربردگرایی، مشتری‌مداری و غیره به نیازهای تخصصی کارآفرینان اقتصادی، بازار کار و بخش صنعت پاسخ می‌دهند. در چنین وضعیتی ممکن است برخی از رشته‌های دانشگاهی یا محورهای آموزشی پژوهشی (مانند علوم پایه یا محض، برخی از شاخه‌های علوم انسانی و اجتماعی و پژوهش‌های بنیادی) مستقیماً مورد تقاضای کارآفرینان اقتصادی و صنعت‌گران نباشند (هرچند برای زندگی اجتماعی اقتصادی یا برای توسعه و پیشبرد شاخه‌های خاصی از دانش که مورد استفاده و کاربرد علوم مختلف ضروری هستند) و به تدریج به جاشیه رانده شوند که در بلندمدت دانشگاه و جامعه را با نتایج ناگواری مواجه کنند.

۲. استفاده گسترده از زبان انگلیسی به عنوان زبان علمی دانشگاهی: این موضوع باعث کمرنگ شدن زبان‌های ملی و محلی و سرمایه‌های فرهنگی و تمدنی کشورهای غیرانگلیسی‌زبان می‌شود.

۳. کاهش آزادی علمی^{۱۱}: این یکی دیگر از چالش‌هایی است که نظام‌های آموزش عالی در عصر جهانی شدن با آن مواجه هستند. همان‌گونه که لوزان^{۱۲} (۲۰۱۳) نیز تأکید دارد، در شرایط جهانی شدن آموزش عالی،

10. Managerialism

11. Academic freedom

12. Lauzon

برنامه‌های پژوهشی دانشگاه‌ها را شرکت‌های تجاری کنترل می‌کنند و این شرکت‌ها خود را مالک یافته‌های پژوهشی می‌دانند و آن‌گونه که تمایل دارند دانش حاصل از برنامه‌های پژوهشی را به کار می‌گیرند. در نتیجه شرکت‌های تجاری همانند مالک برنامه‌های پژوهشی، خواهند توانست که درباره نحوه استفاده و انتشار نتایج پژوهش‌ها به صورت گزینشی عمل کنند و تعیین کنند که کدام جنبه‌ها و نتایج پژوهش انتشار پیدا کند و کدام‌یک نباید انتشار یابد. به عقیده میوشی و جیمسون^{۱۳} (۱۹۹۸) آزادی علمی احتمالاً تنها یکی از تلفات ناشی از اصول جدید مطلوبیت صنعتی^{۱۴} است. هر اندازه دانشگاه‌ها بیشتر در مشارکت با صنعت غوطه‌ور شوند به همان اندازه دانش بیشتری ثبت شده که در واقع به معنی ممانعت از سهیم‌شدن دیگران در استفاده از دانش است.

با توجه به توضیحات پیشین، در ادامه مهم‌ترین فرصت‌های نظام‌های آموزش عالی در مواجهه با روند جهانی‌شدن، بررسی خواهد شد.

۱. تخصیصی شدن و تقسیم کار نوین دانش در سطح بین‌المللی یکی از فرصت‌هایی است که برای آموزش عالی در عصر جهانی‌شدن به وجود آمده است (چارلتون و اندراس، ۲۰۰۶). همان‌گونه که جنبه مهم تجارت بین‌المللی در عصر مدرن، تخصیصی شدن ملت‌ها بر اساس مزیت‌های نسبی در منابع، تولیدات و مهارت‌ها، تعامل ملل را تعیین می‌کرد، این قاعده در عصر جدید در نظام علمی و آموزشی (به‌ویژه آموزش عالی) قابل اعمال خواهد بود. در این زمینه هر کشوری در حوزه‌های علمی و تحقیقاتی که موفق‌تر و با مزیت نسبی بالاتری عمل کند، با سرمایه‌گذاری دیگر تخصص‌های موردنیاز را از سایر کشورها تأمین خواهد کرد؛ برای مثال برخی از کشورها در زمینه آموزش‌های فنی حرفه‌ای و تکنسینی مزیت دارند و برخی نیز در ارائه دوره‌های آموزشی که واجد سطوح پیشرفته علمی و تکنولوژیکی هستند مزیت رقابتی خواهند داشت.

۲. ارتقای کیفیت آموزش‌های دانشگاهی از رهگذر رقابت بین مؤسسات آموزش عالی برای پذیرش هرچه بیشتر دانشجویان داخلی و خارجی و جذب پروژه‌های تحقیقاتی، از فرصت‌هایی است که برای متقاضیان آموزش عالی (دانشجویان، خانواده‌ها، شرکت‌ها و بنگاه‌های صنعتی و خدماتی و غیره) در عصر جهانی‌شدن به وجود می‌آید.

۳. استفاده گسترده از یادگیری الکترونیکی و آموزش از راه دور در آموزش عالی و جذب دانشجویان از نقاط مختلف کشور و جهان برای فراهم کردن امکان دسترسی بیشتر به آموزش عالی و کسب منابع درآمدی از دیگر فرصت‌هایی است که برای آموزش عالی کشورها در عصر جهانی‌شدن به وجود آمده است.

۴. متنوع‌شدن هرچه بیشتر دوره‌ها و برنامه‌های دانشگاهی، رشد فزاینده مؤسسات آموزش عالی در داخل و خارج از کشور، رقابت دانشگاه‌ها برای دستیابی به منابع مالی و کمرنگ‌شدن نقش دولت در تأمین مالی آموزش عالی، منجر به افزایش قدرت انتخاب دانشجویان شده؛ به طوری که دانشجویان می‌توانند با توجه به شرایط مالی و نیازهای آموزشی یا شغلی خود از بین دانشگاه‌های داخل و خارج از کشور و از میان رشته‌های مختلف

13. Miyoshi & Jameson

14. Industrial utility

دانشگاهی و شیوه‌های متنوع ارائه آموزش (شیوه سنتی، یادگیری الکترونیکی، آموزش از راه دور) به صورت آزادانه دست به انتخاب بزنند.

۱-۱- اهداف و سؤالات پژوهش

در این پژوهش، دستیابی به دو هدف و پاسخ به دو سؤال اساسی به شرح زیر مدنظر بوده است.

۱-۱-۱- اهداف پژوهش

۱. شناسایی استراتژی‌های موردنیاز نظام آموزش عالی ایران در واکنش به تحولات عصر جهانی شدن.
۲. ارائه راهکارهای ضروری برای پیاده‌سازی استراتژی‌های موردنیاز نظام آموزش عالی کشور در عصر جهانی شدن.

۱-۱-۲- سؤالات پژوهش

۱. استراتژی‌های موردنیاز نظام آموزش عالی ایران در واکنش به تحولات عصر جهانی شدن کدامند؟
۲. راهکارهای ضروری برای پیاده‌سازی استراتژی‌های موردنیاز نظام آموزش عالی کشور در عصر جهانی شدن کدامند؟

۲- روش‌شناسی پژوهش

برای انجام این پژوهش، از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده است. در مرحله اول برای شناسایی استراتژی‌های موردنیاز نظام آموزش عالی در عصر جهانی شدن با استفاده از نظرات و دیدگاه‌های متخصصان و خبرگان برجسته در زمینه‌های جهانی شدن و مطالعات آموزش عالی، از تکنیک دلفی استفاده شده است. در مرحله دوم برای بررسی وضعیت نظام آموزش عالی کشور بر اساس استراتژی‌های شناسایی شده، اسناد و داده‌های موجود تجزیه و تحلیل شده است. برای این منظور، اسناد فرادستی نظام آموزش عالی کشور نظیر سند چشم‌انداز کشور در افق ۱۴۰۴، سند نقشه جامع علمی کشور، سیاست‌های کلی علم و فناوری و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و فرایندها و روندهای داخلی این نظام (روند تحولات جمعیت دانشجویی در سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۵ و میزان اعتبارات تخصیص یافته از محل بودجه عمومی کل کشور در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۶ به بخش آموزش عالی و تحقیقات) بررسی و تجزیه و تحلیل شدند؛ بنابراین، استفاده از روش پژوهش توصیفی تحلیلی در این مطالعه، به ما کمک کرده است بتوانیم با بررسی مبانی نظری جهانی شدن و پیامدهای آن در نظام‌های آموزش عالی و تطبیق آن با شرایط داخلی کشور، استراتژی‌های موردنیاز و ضروری نظام آموزش عالی ایران برای واکنش به تحولات ناشی از جهانی شدن را شناسایی و تحلیل کنیم.

همان‌گونه که توضیح داده شد، جامعه این پژوهش شامل نظام آموزش عالی کشور است. با استفاده از روش

نمونه‌گیری هدفمند^{۱۵}، ۱۲ نفر از صاحب‌نظران در زمینه جهانی‌شدن و مطالعات آموزش عالی برای اجرای تکنیک دلفی انتخاب شدند. در این پژوهش، نمونه‌گیری هدفمند به پژوهشگر کمک کرده است تا افرادی را برای اجرای تکنیک دلفی انتخاب کند که بیشترین میزان اطلاعات را بر اساس هدف و سؤال پژوهش ارائه دهند. معیارهای انتخاب افراد نمونه برای اجرای تکنیک دلفی: ۱. عضو هیئت علمی دانشگاه یا دست‌اندر کار مدیریت نظام آموزش عالی کشور؛ ۲. تدوین و انتشار مقاله در موضوعات مرتبط با جهانی‌شدن به طور عام و جهانی‌شدن آموزش عالی به طور خاص در مجلات و رویدادهای علمی یا تألیف کتاب در زمینه‌های مذکور؛ ۳. معرفی شده از سوی یکی از افراد مذکور (گلوله برفی).

۳- یافته‌های پژوهش

در ادامه یافته‌های حاصل از این پژوهش بر اساس سؤال‌های پژوهش، تجزیه و تحلیل شده‌اند.

سوال ۱. استراتژی‌های موردنیاز نظام آموزش عالی ایران در واکنش به تحولات عصر جهانی‌شدن کدامند؟

15. Purposive sampling

جدول ۱. استراتژی‌های موردنیاز نظام آموزش عالی ایران در عصر جهانی‌شدن و راهکارهای عملیاتی شدن آن‌ها

استراتژی‌ها	راهکارهای عملیاتی شدن استراتژی‌ها		
	دور سوم W=۰/۸۱, K=۲۵	دور دوم W=۰/۷۹, K=۲۵	دور اول W=۰/۷۶, K=۳۰
توسعه کیفی به موازات گسترش کمی متنوع‌سازی منابع تأمین مالی	اولویت میانگین امتیازات	اولویت میانگین امتیازات	اولویت میانگین امتیازات
	۵/۹۳	۵/۸۹	۵/۴۳
	۱	۱	۱
تجاری‌سازی محصولات آموزشی و پژوهشی	اولویت میانگین امتیازات	اولویت میانگین امتیازات	اولویت میانگین امتیازات
	۵/۲۳	۵/۱۸	۴/۷۶
	۳	۳	۴

دور سوم W=+ / ۸۱, K=۲۵	دور دوم W=+ / ۷۹, K=۲۵	دور اول W=+ / ۷۶, K=۳۰	راهکارهای عملیاتی شدن استراتژی ها			استراتژی ها
میانگین امتیازات اولویت	میانگین امتیازات اولویت	میانگین امتیازات اولویت	۴	۲	۵/۱۸	تصویب و اجرای قوانین مرتبط با حمایت از دارایی های فکری در نهادهای قانون گذاری تأسیس و استقرار مراکز رشد دانشگاهی حمایت از تأسیس شرکت های دانش بنیان منشعب از دانشگاه رصد مستمر نیازهای بازار از سوی دانشگاه و جهت دادن تحقیقات در راستای رفع آن نیازها ثبت اختراعات و نوآوری های فکری حاصل از تحقیقات و عرضه آن ها در بازار سهمیم کردن استادان و دانشجویان دانشگاه در نتایج اقتصادی پروژه های تحقیقاتی اتتلاف و همکاری تنگاتنگ با صنایع برای توسعه و تجاری سازی فناوری های حاصل از تحقیقات دانشگاهی مبادله استاد و دانشجو با دانشگاه های خارجی ارائه تسهیلات به استادان و دانشجویان برای اعزام به فرصت های مطالعاتی راماندازی دوره های آموزشی مشترک انجام تحقیقاتی مشترک با دانشگاه های خارجی بازاریابی فعال برای جذب دانشجویان خارجی برای تحصیل در دانشگاه های کشور اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان کشورهای کمتر توسعه یافته برای افزایش نفوذ اقتصادی، فرهنگی و سیاسی (دیپلماسی عمومی) برگزاری رویدادهای علمی بین المللی با همکاری دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی خارجی زمینه سازی برای حضور استادان و دانشجویان در مجامع و رویدادهای علمی بین المللی طراحی قسمتی از برنامه های آموزشی و درسی ویژه دانشجویان خارجی
۴/۸۶	۵/۰۶	۵/۱۸	۲	۳	۴/۹۱	
۴	۲	۲	۲	۳	۴/۹۱	تجاری سازی نتایج تحقیقات دانشگاهی افزایش مبادلات علمی و دانشگاهی در سطح بین المللی

برای پاسخ به سؤال مذکور، از تکنیک دلفی بهره گرفته شده است. ابتدا با بررسی پیشینه نظری و تجربی، مطالعات صورت گرفته مرتبط بررسی شد و فهرست مقدماتی و کلی از استراتژی‌های مورد نیاز نظام آموزش عالی کشور در عصر جهانی شدن استخراج شد. سپس دیدگاه صاحب نظران و خبرگان حوزه‌های مطالعاتی آموزش عالی و جهانی شدن درباره مناسب بودن استراتژی‌های استخراج شده بررسی شد. این روند با بهره‌گیری از تکنیک دلفی تا سه مرحله ادامه پیدا کرد. در مرحله سوم صاحب نظران و خبرگان، بر روی چهار استراتژی اصلی و ۲۴ راهکار برای عملیاتی شدن استراتژی‌ها توافق کردند. براساس نتایج **جدول شماره ۱**، این استراتژی‌ها عبارتند از: توسعه کیفی به موازات گسترش کمی، متنوع‌سازی منابع تأمین مالی، تجاری‌سازی تحقیقات و تکمیل زنجیره علم، فناوری و ثروت و افزایش مبادلات علمی و دانشگاهی در سطح بین‌المللی.

همان گونه که داده‌های **جدول شماره ۱** نشان می‌دهد، برای محاسبه میزان توافق یا هماهنگی افراد نمونه، بر روی هریک از استراتژی‌ها و راهکارهای عملیاتی شدن آن‌ها، از ضریب توافق کندال استفاده شده است. ضریب توافق کندال برای پاسخ‌های افراد نمونه درباره ترتیب استراتژی‌ها در دور سوم ۰/۸۸ است و این میزان از ضریب کندال به طور کامل معنی‌دار محسوب می‌شود و نشان‌دهنده اتفاق نظر قوی میان افراد نمونه است.

سؤال ۲. راهکارهای ضروری برای پیاده‌سازی استراتژی‌های مورد نیاز نظام آموزش عالی کشور در عصر جهانی شدن کدامند؟

به توجه به بررسی اسناد فرادستی نظام آموزش عالی کشور و فرایندها و روندهای داخلی این نظام و تحلیل داده‌های حاصل از آن‌ها، راهکارهای ضروری برای پیاده‌سازی استراتژی‌های مورد نیاز نظام آموزش عالی کشور برای واکنش مناسب به تحولات ناشی از جهانی شدن استخراج و پیشنهاد شده است. در ادامه، نتایج تحلیل داده‌های حاصل از بررسی اسناد فرادستی و فرایندها و روندهای داخلی نظام آموزش عالی کشور تجزیه و تحلیل شده و راهکارهای ضروری برای پیاده‌سازی هریک از استراتژی‌های چهارگانه شناسایی شده و به محققان و دست‌اندرکاران نظام آموزش عالی پیشنهاد شده است.

۳-۱- توسعه کیفی به موازات گسترش کمی

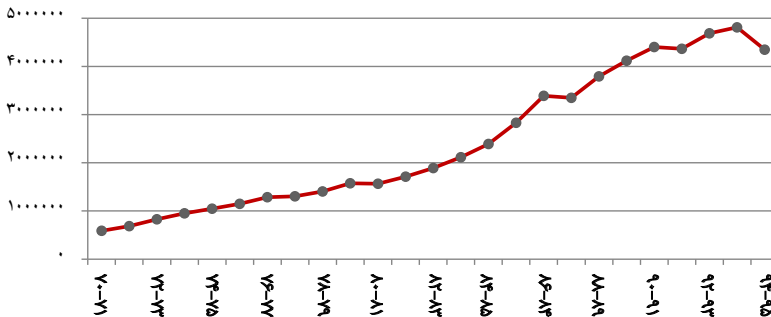
نظام آموزش عالی کشور در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، به دلایل متعددی از جمله: پاسخگویی به تقاضای اجتماعی، رشد جمعیت، گرایش شدید زنان برای ورود به دانشگاه‌ها، سیاست‌های دولت در فراگیر کردن نظام آموزش عالی به طور فزاینده‌ای رشد داشته است. متأسفانه، کیفیت نظام آموزش عالی در طول سال‌های گذشته هم‌پای گسترش کمی آن ارتقا پیدا نکرده است؛ بنابراین به منظور بررسی وضعیت گسترش آموزش عالی، داده‌های آماری مربوط به جمعیت دانشجویی کشور در سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۵ در **جدول شماره ۲** بررسی شده است.

همان گونه که در **جدول شماره ۲** مشاهده می‌شود، تعداد دانشجویان کشور در ۲۵ سال اخیر روند افزایشی داشته است، به گونه‌ای که در این بازه زمانی با افزایش ۷/۵ برابری، تعداد دانشجویان از حدود ۶۰۰ هزار نفر به حدود ۴ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر رسیده است. با توجه به داده‌های **جدول شماره ۲**، در سال تحصیلی

جدول ۲. جمعیت دانشجویی کشور در سال های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۵

سال تحصیلی	دولتی	غیردولتی	جمع کل	میزان افزایش (درصد)	درصد دولتی	درصد غیردولتی
۷۰-۷۱	۳۴۲۵۷۸	۲۴۵۸۴۴	۵۸۸۴۲۲	—	۵۸/۲۱	۴۱/۷۹
۷۱-۷۲	۳۷۳۶۹۳	۳۱۰۱۵۴	۶۸۳۸۴۷	۱۶	۵۴/۶۴	۴۵/۳۶
۷۲-۷۳	۴۳۴۸۱۰	۳۹۲۰۸۳	۸۲۶۸۹۳	۲۱	۵۲/۵۸	۴۷/۴۲
۷۳-۷۴	۴۷۵۴۳۴	۴۷۴۲۱۴	۹۴۹۶۴۸	۱۵	۵۰/۰۶	۴۹/۹۴
۷۴-۷۵	۵۲۰۲۷۱	۵۲۵۹۸۳	۱۰۴۶۲۵۴	۱۰	۴۹/۷۲	۵۰/۲۸
۷۵-۷۶	۵۶۵۷۵۴	۵۸۲۶۲۷	۱۱۴۸۳۸۱	۹	۴۹/۲۶	۵۰/۶۴
۷۶-۷۷	۶۱۵۴۸۷	۶۶۹۰۸۳	۱۲۸۴۵۷۰	۱۲	۴۷/۹۱	۵۲/۰۹
۷۷-۷۸	۶۳۴۲۶۳	۶۸۱۱۵۶	۱۳۰۵۴۱۹	۲	۴۷/۸۲	۵۲/۱۸
۷۸-۷۹	۶۶۰۵۲۰	۷۴۴۳۱۴	۱۴۰۴۸۳۴	۷	۴۷/۰۱	۵۲/۹۹
۷۹-۸۰	۷۱۱۱۴۵	۸۶۵۷۶۷	۱۵۷۶۹۱۲	۱۲	۴۵/۰۹	۵۴/۹۱
۸۰-۸۱	۷۳۲۸۲۰	۸۳۲۷۸۳	۱۵۶۶۶۹۳	-۱	۴۶/۸۴	۵۳/۱۶
۸۱-۸۲	۷۸۱۲۹۷	۹۳۳۱۰۰	۱۷۱۴۳۹۷	۹	۴۵/۵۷	۵۴/۴۳
۸۲-۸۳	۸۸۹۹۹۸	۱۰۰۳۱۲۱	۱۸۹۲۱۱۹	۱۰	۴۶/۹۸	۵۳/۰۲
۸۳-۸۴	۹۷۵۳۶۱	۱۱۴۲۱۱۰	۲۱۱۷۴۷۱	۱۲	۴۶/۰۶	۵۳/۹۴
۸۴-۸۵	۱۱۳۳۳۶۶	۱۲۵۷۴۹۴	۲۳۸۹۸۶۰	۱۳	۴۷/۳۸	۵۲/۶۲
۸۵-۸۶	۱۴۴۴۰۲۷	۱۳۸۴۴۸۴	۲۸۲۸۵۱۱	۱۸	۵۱/۰۵	۴۸/۹۵
۸۶-۸۷	۱۹۴۹۸۷۹	۱۴۴۱۹۷۳	۳۳۹۱۸۵۲	۲۰	۵۷/۴۸	۴۲/۵۲
۸۷-۸۸	۱۷۸۴۴۹۹	۱۵۶۵۲۴۲	۳۳۴۹۷۴۱	-۱	۵۳/۲۷	۴۶/۷۳
۸۸-۸۹	۲۰۸۸۲۸۷	۱۷۰۲۵۷۲	۳۷۹۰۸۵۹	۱۳	۵۵/۰۹	۴۴/۹۱
۸۹-۹۰	۲۲۵۷۷۳۱	۱۸۵۹۴۷۷	۴۱۱۷۲۰۸	۸	۵۴/۸۴	۴۵/۱۶
۹۰-۹۱	۲۴۳۵۲۸۱	۱۹۶۹۲۳۳	۴۴۰۴۶۱۴	۷	۵۵/۲۹	۴۴/۷۱
۹۱-۹۲	۲۴۱۳۷۵۶	۱۹۵۴۱۴۵	۴۳۶۷۹۰۱	-۱	۵۵/۳	۴۴/۷
۹۲-۹۳	۲۷۳۹۹۷۹	۱۹۴۵۴۰۷	۴۶۸۵۳۸۶	۷	۵۸/۵	۴۱/۵
۹۳-۹۴	۲۷۱۲۸۰۲	۲۰۹۸۷۷۹	۴۸۱۱۵۸۱	۲/۷	۵۶/۴	۴۳/۶
۹۴-۹۵	۲۳۵۰۴۰۶	۱۹۹۷۹۷۷	۴۳۴۸۳۸۳	-۹	۵۴/۱	۴۵/۹

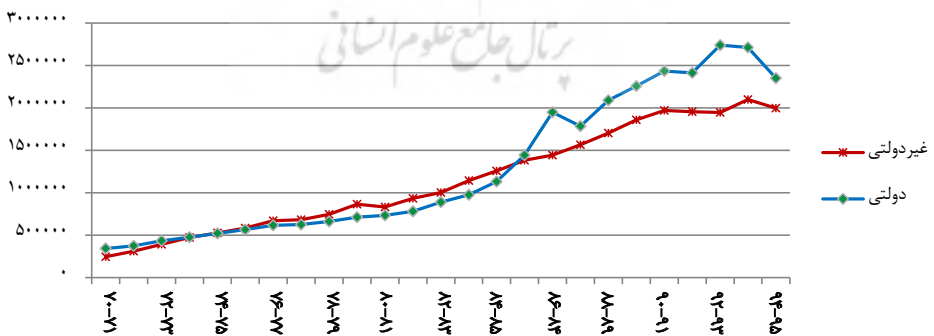
منبع: مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی (۲۰۱۷)؛ محجوب عشرت آبادی (۲۰۰۹)



تصویر ۲. روند تحولات جمعیت دانشجویی کشور در سال های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۵

۱۳۸۷-۱۳۸۶ با افزایش ۲۰ درصدی، شاهد بیشترین میزان افزایش سالانه پذیرش دانشجو در دانشگاه های کشور بوده ایم. ضمناً در دوره زمانی سال های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۵، میانگین (هندسی) افزایش سالانه تعداد پذیرش کل دانشجویان در حدود ۹/۷۷ بوده است.

ضمناً روند رشد جمعیت دانشجویی کشور در سال های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۵ به تفکیک نظام آموزش عالی دولتی و غیردولتی در تصویر شماره ۲ تجزیه و تحلیل شده است. همان گونه که در تصویر شماره ۳ مشاهده می شود، از سال تحصیلی ۱۳۷۶-۱۳۷۵ میزان پذیرش دانشجو در دانشگاه های غیردولتی (دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه های غیرانتفاعی) از دانشگاه های دولتی پیشی گرفته است. این روند تا سال ۱۳۸۶-۱۳۸۵ همچنان ادامه داشته است. تا اینکه با سیاست دولت های نهم و دهم مبنی بر افزایش ظرفیت کمی دانشگاه های دولتی (به ویژه دانشگاه پیام نور)، میزان پذیرش دانشجو در این دانشگاه ها به شدت افزایش پیدا کرد و از دانشگاه های غیردولتی پیشی گرفت.



تصویر ۳. روند تحولات جمعیت دانشجویی کشور در نظام آموزش عالی دولتی و غیردولتی طی سال های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۵

گسترش کمی آموزش در ایران در سال‌های گذشته به علت انطباق نداشتن نیازهای جامعه در کنار رشد اقتصادی پایین، موجبات بیکاری تعداد بسیاری از دانش‌آموختگان را فراهم کرد و کیفیت آموزش عالی را تحت تأثیر قرار داد (آراسته، ۲۰۰۶). گسترش کمی شتابان نظام آموزش عالی کشور در زمینه پذیرش دانشجویان کمترین تناسب را با زیرساخت‌های فیزیکی (کلاس درس، کتابخانه، کارگاه، آزمایشگاه، امکانات ICT، امکانات رفاهی) و سرمایه انسانی دانشگاه‌ها (اعضای هیئت علمی) داشته است؛ بنابراین درپیش گرفتن رویکرد گسترش کمی منجر به کاهش کیفیت آموزش‌های دانشگاهی، بیکاری گسترده فارغ‌التحصیلان، تناسب نداشتن آموزش و پژوهش دانشگاهی با نیازهای توسعه اقتصادی و صنعتی کشور شده است.

با توجه به نکات ذکر شده، می‌توان راهکارهای عملیاتی و اساسی برای توسعه کیفی نظام آموزش عالی را این موارد دانست: بهبود و ارتقای مستمر برنامه‌های درسی متناسب با استانداردهای جهانی و پیشرفت‌های دانش و تکنولوژی، اصلاح و کاهش نسبت استاد به دانشجو، استقرار یک نهاد اعتبارسنجی ملی^{۱۶} در سطح ملی و تخصیص بودجه مبتنی بر عملکرد.

۳-۲- متنوع‌سازی منابع تأمین مالی

امروزه به دلایل مختلف، بازاندیشی درباره نحوه تأمین منابع مالی موردنیاز مؤسسات آموزش عالی به موضوعی ضروری و بدیهی تبدیل شده است. دولت‌ها به دلیل افزایش هزینه‌های بخش‌های مختلف جامعه دیگر مانند گذشته قادر به تأمین منابع مالی موردنیاز بخش آموزش عالی نیستند. ضمناً در عصر جهانی‌شدن، اهمیت آموزش عالی دوچندان شده است و نهادهای آموزش عالی و تحقیقاتی به نیروی محرکه اقتصاد دانش‌بنیان^{۱۷} تبدیل شده‌اند؛ بنابراین، عوامل مختلفی از قبیل: گسترش ثبت‌نام دانشجویان و متنوع‌شدن انواع مؤسسات آموزش عالی، محدودیت‌های مالی ناشی از رشد هزینه‌های دانشگاه‌ها و کاهش بودجه دولتی مؤسسات آموزش عالی، چیرگی جهت‌گیری بازار^{۱۸} و تلاش برای دستیابی به درآمدهای غیردولتی، تقاضا برای پاسخگویی گسترده‌تر و تقاضا برای کیفیت و کارایی بیشتر، موجب تحول در شیوه‌ها و مکانیسم‌های تأمین مالی مؤسسات آموزش عالی شده است (جان‌استون، ۱۹۹۸)؛ بنابراین، در عصر جهانی‌شدن، متنوع‌سازی منابع مالی ضرورتی اساسی برای ادامه حیات مؤسسات آموزش عالی، ارتقای کیفیت، تضمین استقلال و وابستگی نداشتن آن‌ها به نهادهای قدرت خواهد بود.

از طرف دیگر در سال‌های اخیر، بحث و جدل‌ها درباره منافع اجتماعی و فردی سرمایه‌گذاری در آموزش عالی بالا گرفته است. بسیاری از اقتصاددانان نظیر میلتون فریدمن^{۱۹} (۲۰۰۱) و بکر^{۲۰} (۲۰۱۰) بر این عقیده هستند که به دلیل چیره‌بودن منافع فردی آموزش عالی (در قالب یافتن شغل مناسب‌تر، درآمد بیشتر و ارتقای جایگاه اجتماعی) بر

16. National Accreditation Institution

17. Knowledge Based Economy

18. Market Orientations

19. Friedman

20. Beker

جدول ۳. اعتبارات بخش آموزش عالی و تحقیقات و نسبت آن به بودجه عمومی دولت در سال های ۱۳۹۶-۱۳۸۴

سال	بودجه عمومی دولت		بودجه بخش آموزش عالی و تحقیقات	
	مجموع (میلیارد تومان)	رشد سالانه (درصد)	مجموع اعتبارات (میلیارد تومان)	رشد سالانه (درصد)
۱۳۸۴	۵۶۹۸۳	—	۱۴۷۰	—
۱۳۸۵	۵۸۷۵۹	۳	۱۹۵۰	۳۲
۱۳۸۶	۶۹۱۸۲	۱۷	۲۰۴۷	۵
۱۳۸۷	۸۶۳۴۸	۲۴	۲۳۶۰	۱۵
۱۳۸۸	۹۶۷۹۰	۱۲	۳۷۶۹	۵۹
۱۳۸۹	۱۲۷۱۳۳	۳۱	۵۱۵۶	۳۷
۱۳۹۰	۱۶۹۷۲۲	۳۳	۷۸۶۱	۵۲
۱۳۹۱	۱۶۴۴۱۷	-۳	۱۰۹۹۲	۴۰
۱۳۹۲	۲۳۶۰۴۸	۴۳	۱۲۶۲۱	۱۵
۱۳۹۳	۲۳۵۰۰۸	-۰/۴	۱۵۵۲۵	۲۳
۱۳۹۴	۲۷۴۴۱۰	۱۶	۲۱۵۶۷	۳۹
۱۳۹۵	۳۳۵۴۸۹	۱۲	۲۴۳۴۷	۱۲
۱۳۹۶	۳۹۸۸۵۳	۱۸/۸	۲۸۷۱۰	۱۸

فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان

منبع: زراعت کیش و همکاران (۲۰۱۷، ۲۰۱۶)، خدادهادی و همکاران (۲۰۱۶، ۲۰۱۵، ۲۰۱۴، ۲۰۱۳)، داوری و همکاران (۲۰۱۱)، داوری و همکاران (۲۰۱۰)، داوری و همکاران (۲۰۰۸) و قلی پور و همکاران (۲۰۰۵)

منافع اجتماعی آن (در قالب ارتقای شاخص توسعه انسانی^{۲۱}، ارتقای امنیت و غیره)، دانشجویان و متقاضیان خصوصی باید نقش محوری را در تأمین مالی آموزش عالی^{۲۲} ایفا کنند. این چرخش فکری درباره نحوه تأمین مالی آموزش عالی، منجر به حرکت از نظام تأمین مالی دولتی^{۲۳} به سمت تأمین مالی مبتنی بر مکانیسم های بازار از طریق شهریه^{۲۴}، وام های دانشجویی^{۲۵} و انجام پروژه های تحقیقاتی برای بنگاه های خصوصی و صنعتی شده است. این تفکر در راستای فلسفه اقتصاد بازار است که در آن دانشگاه ها به عنوان فراهم کنندگان خدمات برای متقاضیان خصوصی با یکدیگر

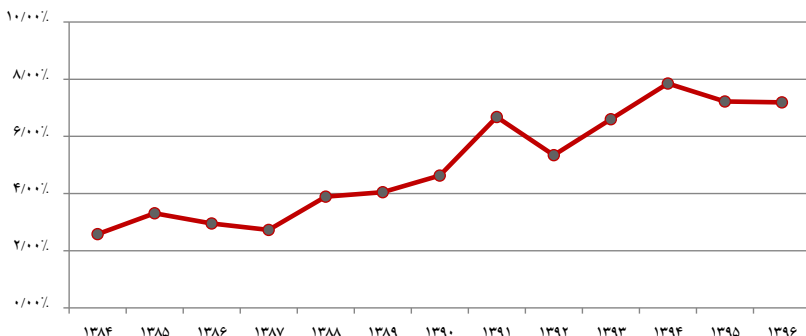
21. Human Development Index (HDI)

22. Higher Education Funding

23. State-funded Grant System

24. Tuition

25. Student loan Financing



تصویر ۴. روندیابی سهم اعتبارات بخش آموزش عالی و تحقیقات از بودجه عمومی دولت

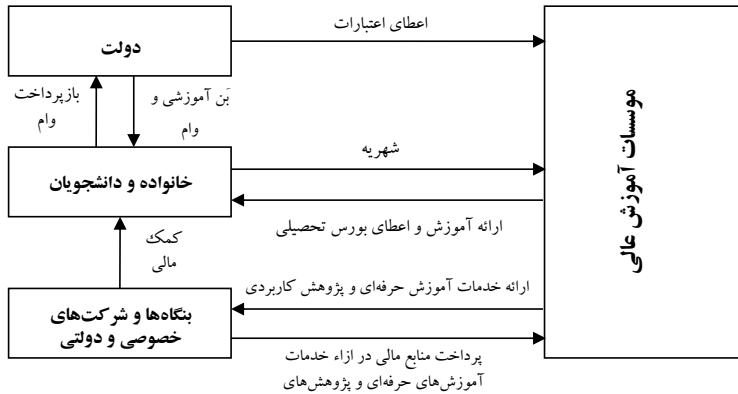
فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان

رقابت می کنند (استرلینگ، ماکزی و هیتر، ۲۰۱۳).

افزایش رقابت و نیاز نهادهای رقیب آموزش عالی به بودجه دولت، یکی از دلایل و ضرورت های اساسی متنوع سازی منابع تأمین مالی نظام آموزش عالی است. به همین منظور قوانین بودجه سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۶ تجزیه و تحلیل شده و سهم اعتبارات تخصیص یافته به بخش آموزش عالی و تحقیقات از کل بودجه عمومی دولت مشخص شده است. در جدول شماره ۳ می توان میزان بودجه سالانه کل کشور و سهم بخش آموزش عالی و تحقیقات در آن را دید. به منظور بررسی جامع تر، سهم اعتبارات بخش آموزش و تحقیقات کشور از بودجه عمومی دولت طی روند ۱۳ ساله، در تصویر شماره ۴ نمایش داده شده است.

همچنان که در تصویر شماره ۴ نمایش داده شده است، سهم اعتبارات بخش آموزش و تحقیقات کشور از بودجه عمومی دولت طی سال های مختلف در نوسان بوده است و متأسفانه در این سال ها وابستگی این بخش به بودجه دولتی افزایش پیدا کرده است. این وابستگی منجر به صدمه به استقلال دانشگاه ها و موجب شده که حتی استخدام اعضای هیئت علمی دانشگاه ها به طور متمرکز از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری صورت پذیرد.

خدمات آموزش عالی، به ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی، به نوعی خدمات خصوصی هستند که افراد با هدف کسب درآمدهای بالاتر در آینده و جایگاه های شغلی مطلوب تر تقاضا می کنند؛ بنابراین در بازار خدمات آموزش عالی، متقاضیان برای دسترسی به بهترین فرصت های آموزشی (بهترین رشته ها و بهترین دانشگاه ها) با یکدیگر رقابت می کنند. در چنین شرایطی، دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی می توانند برای کسب منابع مالی بیشتر از مکانیسم های بازار استفاده کنند. استفاده از مکانیسم بازار راهی برای متنوع سازی منابع تأمین مالی دانشگاه ها خواهد بود و منجر به کاهش وابستگی آن ها به بودجه دولتی خواهد شد. ضمناً بنگاه های خصوصی و دولتی با هدف یادگیری مستمر کارکنانشان متناسب با تغییرات دانش و تکنولوژی و همچنین به منظور یافتن روش های مناسب تر برای بهبود فرایندها و افزایش بهره وری اقدام به تخصیص منابع مالی به فعالیت های آموزش حرفه ای و پژوهش کاربردی می کنند. دانشگاه ها با ارائه خدمات آموزش حرفه ای و پژوهشی به بنگاه های



فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان

تصویر ۵. جریان منابع مالی مؤسسات آموزش عالی

خصوصی و دولتی، می‌توانند از این فرصت برای تأمین بخشی از منابع مالی موردنیاز خود استفاده کنند.

دولت نیز به منظور حصول منافع عمومی جامعه در بلندمدت، باید نقش خود را در تأمین مالی مؤسسات آموزش عالی ایفا کند. دولت باید نقش خود را از طریق تأمین بخش عمده‌ای از هزینه آن دسته از فعالیت‌های مؤسسات آموزش عالی که آثار جانبی مثبت دارند، ولی تقاضای پایین تری از جانب متقاضیان خصوصی دارند، ایفا کند. این دسته از فعالیت‌ها عبارتند از: ۱. آموزش‌های عمومی اجباری در مقطع لیسانس؛ ۲. پژوهش‌های بنیادی؛ ۳. رشته‌های علوم پایه و رشته‌هایی مانند فلسفه، ادبیات (از طریق اعطای بورس تحصیلی). حوزه‌های مذکور در بلندمدت پیامدهای مثبت و مزایای اجتماعی عمده‌ای دارند و برای پیشبرد برنامه‌های آموزشی و پژوهشی در سایر علوم حیاتی هستند؛ بنابراین با توجه به موارد پیش گفته، جریان منابع مالی مؤسسات آموزش عالی شناسایی شده و در تصویر شماره ۵ نمایش داده شده است.

دولت برای ایجاد رقابت بین مؤسسات آموزش عالی می‌تواند به صورت غیرمستقیم نیز نقش آفرینی کند. برای این منظور دولت باید به دانشجویان به صورت بلاعوض بِن‌های آموزشی^{۲۶} اعطا کند تا آن‌ها بتوانند متناسب با اولویت‌ها و علایق خود، دانشگاه و رشته موردنظرشان را برای ادامه تحصیل تعیین کنند و در صورت لزوم مابه‌التفاوت آن را خود به صورت مستقیم پرداخت کنند. ضمناً اعطای وام‌های مشروط به درآمد^{۲۷} به دانشجویان طبقات اجتماعی پایین یکی دیگر از روش‌های کارآمد نقش آفرینی دولت در تأمین مالی دانشگاه است. در این روش، دانشجویان با دریافت وام‌های دولتی اقدام به ادامه تحصیل خواهند کرد و بازپرداخت وام نیز مشروط به اشتغال و کسب درآمد آن‌ها در آینده خواهد بود.

26. Voucher

27. Income-conditioned loans

متأسفانه تا کنون مؤسسات آموزش عالی کشور از ظرفیت‌های متقاضیان خصوصی آموزش عالی (دانشجویان و بنگاه‌ها) استفاده چندانی نکرده‌اند؛ برای نمونه دانشگاه تهران، در سال‌های گذشته بخش عمده درآمدهای اختصاصی خود را از طریق دریافت شهریه از دانشجویان که ساده‌ترین روش کسب درآمد است، تأمین کرده است (ملکی‌نیا، ۲۰۱۴)؛ بنابراین، در عصر جهانی‌شدن، دانشگاه‌ها باید در سیاست‌های گذشته خود بازنگری کنند و برنامه‌های جدی را برای تأمین مالی فعالیت‌های خود از طریق ارائه آموزش‌های بلندمدت متناسب با نیازهای بازار، آموزش‌های حرفه‌ای کوتاه‌مدت و انجام پژوهش‌های کاربردی تهیه و تدارک ببینند.

۳-۳- تجاری‌سازی تحقیقات و تکمیل زنجیره علم، فناوری و ثروت

همان‌گونه که در بخش‌های پیشین نیز توضیح داده شد، در عصر جهانی‌شدن کارکردهای دانشگاه‌ها متحول شده است. به گونه‌ای که در نگرش سنتی به دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی به عنوان تولیدکننده دانش و اشاعه‌دهنده علم و دانش تجدیدنظر شده و نگرش جدیدی نسبت به آن‌ها شکل گرفته است. در این نگرش جدید، این مراکز مسئولیت بیشتری در تبدیل دستاوردهای تحقیقاتی خود به عوامل فراهم‌کننده رشد اقتصادی، رفاه عمومی و ثروت جامعه دارند (بندریان، ۲۰۰۹).

رویکرد تجاری‌سازی در دانشگاه برگرفته از آموزه‌های سرمایه‌داری دانشگاهی است و ناظر بر همه فعالیت‌هایی است که تکمیل‌کننده زنجیره علم، فناوری و ثروت باشند. مطمئناً ورود مؤسسات آموزش عالی به عرصه تجاری‌سازی نتایج تحقیقات بر اساس نیازهای بازار، می‌تواند فرصت‌ها و پیامدهای مثبتی به همراه داشته باشد. پیامدهای مثبت در سطح مؤسسات شامل متنوع‌شدن منابع تأمین مالی، کاهش وابستگی به بودجه دولتی و افزایش استقلال دانشگاهی هستند. پیامدهای مثبت در سطح ملی شامل افزایش رشد ناخالص داخلی، افزایش سطح رفاه عمومی جامعه، ارتقای سطح استقلال اقتصادی و کاهش وابستگی کشور به محصولات دانش‌بنیان خواهد بود.

نظام آموزش عالی ایران در اسناد فرادستی نظیر سند چشم‌انداز کشور در افق ۱۴۰۴، سند نقشه جامع علمی کشور، سیاست‌های کلی علم و فناوری و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، مکلف به تجاری‌سازی نتایج تحقیقات دانشگاهی شده است، به گونه‌ای که مضمون اصلی در سند نقشه جامع علمی کشور و سیاست‌های کلی علم و فناوری بر تولید ثروت از علم و توسعه علمی و فناوری کشور تأکید دارد؛ برای مثال در سند نقشه جامع علمی کشور، به طور مستقیم بیش از ۷۰ بار به مقوله‌های مرتبط با تجاری‌سازی علم و فناوری، توسعه سرمایه‌گذاری در علم و فناوری، تأسیس و توسعه بنگاه‌های دانش‌بنیان و غیره اشاره شده است (ملکی‌نیا، ۲۰۱۴)؛ بنابراین نظام آموزش عالی کشور به عنوان یکی از پیشران‌های اقتصاد دانش‌بنیان و عناصر اصلی کسب جایگاه اول اقتصادی و علمی و فناوری کشور در منطقه (در افق ۱۴۰۴) راهی جز حرکت به سمت تجاری‌سازی نتایج تحقیقات و توسعه فناوری‌های حاصل از آن‌ها ندارد.

مهم‌ترین راهکارهای تجاری‌سازی نتایج تحقیقات دانشگاهی عبارتند از: تصویب و اجرای قوانین مرتبط با

حمایت از دارایی‌های فکری^{۲۸} در نهادهای قانون‌گذاری، تأسیس و استقرار مراکز رشد دانشگاهی^{۲۹}، حمایت از تأسیس شرکت‌های دانش‌بنیان منشعب از دانشگاه^{۳۰} برای عملیاتی‌کردن طرح‌های نوآورانه دانشجویان، رصد مستمر نیازهای بازار از سوی دانشگاه و جهت‌دادن تحقیقات در راستای رفع آن نیازها، ثبت اختراعات^{۳۱} و نوآوری‌های فکری حاصل از تحقیقات و عرضه آن‌ها در بازار، سهم‌کردن استادان و دانشجویان دانشگاه در نتایج اقتصادی پروژه‌های تحقیقاتی، ائتلاف و همکاری تنگاتنگ با صنایع برای توسعه و تجاری‌سازی فناوری‌های حاصل از تحقیقات دانشگاهی.

۳-۴- افزایش مبادلات علمی و دانشگاهی در سطح بین‌المللی

در عصر جهانی‌شدن، دانش و قدرت پیوند ناگسستنی با یکدیگر پیدا کرده‌اند. امروزه همکاری‌های علمی و دانشگاهی در سطح بین‌المللی به یکی از ابزارهای کشورها برای پیشبرد سیاست خارجی تبدیل شده است. افزایش مبادلات علمی و دانشگاهی در سطح بین‌المللی می‌تواند به طور مستقیم و غیرمستقیم نتایج قابل توجهی در بر داشته باشد که برخی از آن‌ها عبارتند از: الف) تفاهم و درک متقابل بین‌المللی (آینگر، نسلون و استیمفل، ۱۹۹۲)؛ ب) استحکام روابط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی میان دولت‌ها و ملت‌ها (دی‌ویت، ۲۰۰۲)؛ ج) ارتقای کیفیت آموزش و پژوهش و استانداردهای علمی دانشگاه‌ها (فاضلی، ۲۰۰۵)؛ د) گسترش ارزش‌ها و اصول فرهنگ ملی در سطح بین‌المللی؛ ه) تربیت فارغ‌التحصیلان آگاه به مسائل بین‌المللی و حساس به مسائل بین‌فرهنگی، و) بهبود و ارتقای وجهه دانشگاه‌ها در سطح بین‌المللی؛ ز) معرفی زبان ملی در سطح بین‌المللی؛ ح) انتقال و بومی‌سازی دانش و فناوری‌های پیشرفته.

سیاست‌گذاران نظام آموزش عالی کشور برای افزایش مبادلات علمی و دانشگاهی در سطح بین‌المللی باید مبادرت به تصمیم‌گیری‌ها و اقداماتی در سطح درون‌سازمانی (دانشگاه‌ها) و برون‌سازمانی (اسناد و برنامه‌های فرادستی نظام آموزش عالی) بکنند و منابع لازم را برای پیشبرد این مبادلات تخصیص دهند. خوشبختانه در سال‌های اخیر با ابلاغ سند نقشه جامع علمی کشور، زمینه لازم برای ارتقای همکاری‌ها و مبادلات علمی و دانشگاهی در سطح بین‌المللی فراهم شده است؛ بنابراین، برخی از اقدامات ضروری برای افزایش مبادلات علمی و دانشگاهی عبارت است از: مبادله استاد و دانشجو با دانشگاه‌های خارجی، ارائه تسهیلات به استادان و دانشجویان برای اعزام به فرصت‌های مطالعاتی، راه‌اندازی دوره‌های آموزشی مشترک، انجام تحقیقات مشترک با دانشگاه‌های خارجی، بازاریابی فعال برای جذب دانشجویان خارجی برای تحصیل در دانشگاه‌های کشور، اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان کشورهای کمتر توسعه‌یافته برای افزایش نفوذ فرهنگی و سیاسی، برگزاری رویدادهای علمی بین‌المللی با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی خارجی، زمینه‌سازی برای حضور استادان و دانشجویان در مجامع و رویدادهای علمی بین‌المللی و طراحی قسمتی از برنامه‌های آموزشی و درسی ویژه

28. Intellectual property

29. Incubator

30. Spin-off

31. Patent

دانشجویان خارجی.

درپیش گرفتن تدابیری از قبیل: استفاده گسترده از زبان انگلیسی به عنوان زبان ارتباطات بین‌المللی، فراهم کردن زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) برای تسهیل ارتباط دانشجویان و استادان با دانشگاهیان خارجی و ارتقا و به‌روزرسانی برنامه‌های درسی و پژوهشی متناسب با استانداردهای جهانی و جدیدترین یافته‌های پژوهشی و تکنولوژیکی، از جمله پیش‌شرط‌ها و لوازم توسعه مبادلات علمی و دانشگاهی در سطح بین‌المللی است.

بنابراین تبادلات دانشگاهی به عنوان یکی از ابزارهای دیپلماسی عمومی^{۳۲}، می‌تواند نقشی بی‌بدیل در افزایش نفوذ و گسترش مرزهای فرهنگی کشور داشته باشد و موجب ارتقای جایگاه زبان فارسی در سطح بین‌المللی شود. دیپلماسی عمومی، برنامه‌ریزی استراتژیک و اجرای برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و اطلاع‌رسانی از جانب یک کشور حامی، برای ایجاد محیط افکار عمومی در یک کشور هدف است؛ به طوری که رهبران سیاسی کشور هدف را قادر به تصمیم‌گیری حمایت‌گرانه و پشتیبانی از اهداف سیاست خارجی کشور حامی می‌کند (مک‌کلن، ۲۰۰۴ به نقل از آشنا و جعفری هفت‌خوانی، ۲۰۰۷). کشورهای آلمان و ژاپن نمونه‌های خوبی در زمینه پیشبرد دیپلماسی عمومی از طریق مبادلات علمی و آموزشی هستند. برای این منظور، آلمان در سال ۱۹۲۵ اقدام به راه‌اندازی مؤسسه مبادلات آکادمیک^{۳۳} کرد و ژاپن اقدام به راه‌اندازی آژانس همکاری‌های بین‌المللی (جایکا)^{۳۴} کرده است.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

جهانی‌شدن در ابعاد سه‌گانه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، نظام آموزش عالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در بُعد اقتصادی با گسترش دیدگاه‌های نئولیبرالیستی باعث گسترش خصوصی‌سازی و غلبه رویکردهای بازارمحور^{۳۵} در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، تجاری‌سازی، تمرکززدایی و رفع محدودیت‌های قانونی برای مشارکت بخش خصوصی می‌شود. در بُعد سیاسی با کم‌رنگ‌شدن نظارت و تسلط دولت و حکومت بر نظام آموزش عالی و ایجاد حکومت جهانی واحد، تناسب بین اهداف و محتوا و روش‌های آموزشی با نیازهای جامعه محلی ملی کاهش می‌یابد و آموزش‌ها شکل غیربومی و جهانی می‌یابند و باعث جهت‌گیری نظام آموزش عالی به سمت تربیت شهروند جهانی و پرورش نیروی انسانی متخصص برای کار در کارخانه‌ها و شرکت‌های چندملیتی می‌شود. بُعد فرهنگی مهم‌ترین و مؤثرترین بُعد از نظر تأثیرگذاری بر نظام آموزش عالی است. رشد پدیده مهاجرت برای ادامه تحصیل، باعث ایجاد کلاس‌های چندفرهنگی و اهمیت یافتن یادگیری برای باهم‌زیستن و الزامات خاص آن می‌شود که شامل یادگیری شناخت خویشتن، احترام قائل شدن برای دیگران و آموختن حس مسئولیت و همکاری با دیگران است.

32. Public diplomacy

33. Deutscher Akademischer Austauschdienst (DAAD) / German Academic Exchange Service

34. Japan International Cooperation Agency (JICA)

35. Market-oriented Approaches

جدول ۴. استراتژی های مورد نیاز نظام آموزش عالی ایران در مواجهه با جهانی شدن و راهکارهای عملیاتی شدن آن ها

استراتژی	راهکارهای عملیاتی شدن
توسعه کیفی به موازات گسترش کمی	۱. بهبود و ارتقای مستمر برنامه های درسی متناسب با استانداردهای جهانی و پیشرفت های دانش و تکنولوژی؛ ۲. اصلاح و کاهش نسبت استاد به دانشجو؛ ۳. استقرار یک نهاد اعتبارسنجی در سطح ملی؛ ۴. تخصیص بودجه مبتنی بر عملکرد.
متنوع سازی منابع تأمین مالی	۱. به کارگیری مکانیسم های بازار؛ ۲. گرفتن هزینه های خدمات آموزش عالی از متقاضیان/ مشتریان خصوصی (افراد و بنگاه ها)؛ ۳. تدوین و ارائه آموزش های حرفه ای کوتاه مدت به شاغلان بنگاه های خصوصی و دولتی؛ ۴. تجاری سازی محصولات آموزشی و پژوهشی.
تجاری سازی تحقیقات و تکمیل زنجیره علم، فناوری و ثروت	۱. تصویب و اجرای قوانین مرتبط با حمایت از دارایی های فکری در نهادهای قانون گذاری؛ ۲. تأسیس و استقرار مراکز رشد دانشگاهی؛ ۳. حمایت از تأسیس شرکت های دانش بنیان منشعب از دانشگاه؛ ۴. رصد مستمر نیازهای بازار از سوی دانشگاه و جهت دادن تحقیقات در راستای رفع آن نیازها؛ ۵. ثبت اختراعات و نوآوری های فکری حاصل از تحقیقات و عرضه آن ها در بازار؛ ۶. سهیم کردن استادان و دانشجویان دانشگاه در نتایج اقتصادی پروژه های تحقیقاتی؛ ۷. ائتلاف و همکاری تنگاتنگ با صنایع جهت توسعه و تجاری سازی فناوری های حاصل از تحقیقات دانشگاهی.
افزایش مبادلات علمی و دانشگاهی در سطح بین المللی	۱. مبادله استاد و دانشجو با دانشگاه های خارجی؛ ۲. ارائه تسهیلات به استادان و دانشجویان برای اعزام به فرصت های مطالعاتی؛ ۳. راه اندازی دوره های آموزشی مشترک؛ ۴. انجام تحقیقاتی مشترک با دانشگاه های خارجی؛ ۵. بازاریابی فعال برای جذب دانشجویان خارجی برای تحصیل در دانشگاه های کشور؛ ۶. اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان کشورهای کمتر توسعه یافته برای افزایش نفوذ فرهنگی و سیاسی؛ ۷. برگزاری رویدادهای علمی بین المللی با همکاری دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی خارجی؛ ۸. زمینه سازی برای حضور استادان و دانشجویان در مجامع و رویدادهای علمی بین المللی؛ ۹. طراحی قسمتی از برنامه های آموزشی و درسی ویژه دانشجویان خارجی.

فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان

برای نظام آموزش عالی کشور امکان پذیر نیست که در بلندمدت به طور کامل خود را از تأثیرات جهانی شدن حفظ کند. در نتیجه، انزوای و مشارکت نکردن در فرایند جهانی شدن نمی تواند انتخابی استراتژیک برای طولانی مدت باشد و نظام آموزش عالی کشور دیر یا زود باید خود را برای مواجهه با این پدیده مهیا کند. در این مطالعه، با بررسی پیشینه نظری (و اسناد فرادستی و روندهای داخلی و گذشته) و تحلیل دیدگاه های صاحب نظران از طریق تکنیک دلفی، چهار استراتژی اصلی برای نظام آموزش عالی کشور در عصر جهانی شدن شناسایی شده است. این استراتژی ها عبارتند از: توسعه کیفی به موازات گسترش کمی، متنوع سازی منابع تأمین مالی، تجاری سازی تحقیقات و تکمیل زنجیره علم، فناوری و ثروت و افزایش مبادلات علمی و دانشگاهی در سطح بین المللی. برای عملیاتی شدن هر یک از استراتژی های مذکور، راهکارهایی شناسایی شده و به دست اندرکاران نظام آموزش عالی پیشنهاد شده است. در **جدول شماره ۴** راهکارهای عملیاتی شدن هر یک از استراتژی های چهارگانه مذکور ارائه شده است. دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی کشور با درپیش گرفتن استراتژی های مذکور خواهند توانست که بسیاری از تهدیدهای ناشی از جهانی شدن را به فرصت تبدیل کنند.

از یک طرف، بازاری شدن آموزش عالی می تواند یکی از عمده ترین دغدغه ها و تهدیدهای ناشی از جهانی شدن باشد که ممکن است موجب تحریف مأموریت و تزلزل دانشگاه ها در حقیقت جویی و گسترش مرزهای دانش شود. ولی از طرف دیگر، بازاری شدن آموزش عالی می تواند موجب افزایش کیفیت آموزش و پژوهش دانشگاه (از رهگذر رقابت میان دانشگاه ها) و ارتقای کارایی در تخصیص منابع (به ویژه منابع مالی) از سوی ذی نفعان به دانشگاه ها شود؛ زیرا هنگامی که دانشگاه ها به سمت بازاری شدن حرکت کنند برای تأمین هزینه های خود، اقدام به اقتصادی کردن خدمات آموزشی و پژوهشی و محاسبه قیمت واقعی آن ها خواهند کرد و از این طریق می توانند هزینه های آموزش عالی را از ذی نفعان واقعی مطالبه کنند و وابستگی خود را به بودجه دولتی و منابع عمومی به حداقل برسانند. به عبارت دیگر، بازاری شدن آموزش عالی می تواند منجر به بهینه شدن رفتار تخصیص منابع ذی نفعان مختلف (هم دانشگاه ها به عنوان عرضه کننده و هم خانواده ها به عنوان متقاضی) شود و از اتلاف منابع مالی، عمر یا زمان دانشجویان و غیره جلوگیری شود.

در صورتی که دانشگاه های کشور بتوانند برنامه های آموزشی و پژوهشی خود را مطابق استانداردهای جهانی به متقاضیان ارائه کنند، معضل بیکاری بسیاری از فارغ التحصیلان و نبود ارتباط بین آموزش های فراگرفته شده با نیازهای واقعی جامعه و صنعت به سهولت حل خواهد شد، زیرا در چنین شرایطی، برنامه های درسی ارائه شده به دانشجویان دائماً متناسب با جدیدترین پیشرفت های دانش و تکنولوژی بازنگاری می شود و دانشجویان با تسلط بر زبان های علمی و بین المللی به راحتی خواهند توانست فراتر از مرزهای جغرافیایی، در سازمان ها و شرکت های مختلف مشغول به کار شوند.

دانشگاه های کشور برای جذب دانشجویان خارجی و کسب توانمندی های لازم برای مبادلات آموزشی و پژوهشی با دانشگاه های خارجی باید مکانیسم های لازم را به منظور ارتقای کیفیت برنامه های آموزشی و پژوهشی خود پیش بینی کنند. از این منظر، دانشگاه ها باید ضمن رصد مستمر و شناسایی نیازمندی های متقاضیان (داخلی و بین المللی) برنامه های خود را در مسیر تحقق خواسته های آن ها مجهز و جهت دهی کنند. در چنین وضعیتی، دانشگاه ها پویایی لازم را خواهند داشت و خواهند توانست در پیشبرد دیپلماسی عمومی و افزایش قدرت نرم کشور نیز تأثیر گذار باشند.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان

تمام نویسندگان در آماده سازی این مقاله مشارکت کرده اند.

تعارض منافع

بنا به اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچ گونه تعارض منافع وجود ندارد.

References

- Aigner, J., Nelson, P., & Stimfle J. R. (1992). *Internationalization the university: Making it work*. Springfield: CBIS Federal.
- Araštéh, H. (2006). [Higher education international collaboration in Iran and how to improve it (Persian)]. *Quarterly Journal of Research and Planing in Higher Education*, 12(1), 99-111.
- Ashna, H., & Jafari Haftkhani, N. (2007). [Public diplomacy and foreign policy, links and objectives (Persian)]. *Political Sciences*, 3(5), 179-205.
- Bandarian, R. (2009). [Marketing and commercialization of new technologies: Stages, Facilitators, and critical success factors (Persian)]. *Journal of Science and Technology Parks & Incubators*, 19(5), 39-45.
- Bekr, G. (2010). [An analysis of the future of Iran economy (Persian)]. Donya-ye Eghtesad, p. 2225.
- Charlton, B. G., & Andras, P. (2006). Globalization in science education: An inevitable and beneficial trend. *Medical Hypotheses*. 66(5), 869-73. [DOI:10.1016/j.mehy.2006.01.002]
- Davari, A., Sabzali, F., Nosratinejad, F., Azizi, M., & Samiei, Hossein, (2011). [About the total budget of the country in 2011: Higher education and research (Persian)]. Tehran: Research Center of Islamic Consultative Assembly.
- Davari, A., Agha Bozorgi, M., & Sami'i H. (2009). [About the total budget of the country in 2009: Higher education (Persian)]. Tehran: Research Center of Islamic Consultative Assembly.
- Davari, A., Nosrati Nezhad, S. A., & Sabzali, F. (2010). [The total budget of the country in 2010: Investigating the credits of higher education and research (Persian)]. Tehran: Research Center of Islamic Consultative Assembly.
- De wit, H. (2002). *Internationalization of higher education in the United States and Europe. A historical, comparative, and conceptual aanalysis*. London: Greenwood Press.
- Delanty J. (2008). *Challenging knowledge. The university in the knowledge society* [A. Bakhtiari Zade Persian Trans]. Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies.
- Delanty, G. (2001). *Challenging knowledge: The university in the knowledge society*. Phildelphia: Open University Press.
- Douglass, J. A. (2005). How all globalization is local: Countervailing forces and their influence on higher education markets. *Higher Education Policy*, 18(4), 445-73.
- Eggs, H. (2003). *Globalization and reform in higher education*. London: Open University Press.
- Fazeli, N. (2008). [Culture and universities (Anthropology and cultural studies) (Persian)]. Tehran: Nashr-e Sales.
- Fazeli, N. (2005). [Globalization and higher education: Global trends in the institution of higher education and the status of higher education in Iran. *Journal of Social Sciences*, 11(25), 1-41.
- Friedman, M. (2001). *Capitalism and Freedom* [Gh. R. Rashidi, Persian Trans]. Tehran: Ney.
- Gholi Poor, R., & Entezari, Y. (2005). [About the total budget of the country in 2006: Higher education and research (Persian)]. Tehran: Research Center of Islamic Consultative Assembly.
- Giddens, A. (1999). *Modernization and diagnosis* [N. Movafaghian, Persian Trans]. Tehran: Ney.
- Gol Mohammadi, A. (2002). *Globalization, culture, identity* (Persian)]. Tehran: Ney.

- Griswold, D. T. (2006). The blessings and challenges of globalization [A. Rezaei Persian Trans]. *Rahbord Journal*, 39, 277-94.
- Guri-Rosenblit, Sebkova & Teichler (2007). *Mystification and diversity of higher education systems: Interplay of complex dimensions*. UNESCO Forum Occasional Paper. Series Paper no. 16. New York: United Nations.
- Institute for Research & Planning in Higher Education. (2017). [*Iran higher education statistics 2003-2014* (Persian)] [Internet]. Retrieved from <https://irphe.ac.ir>
- Johnstone, D. (1998). *The financing and management of higher education: A status report on worldwide reforms*. Washington, D.C.: The World Bank.
- Judson, K. M., & Taylor, S. A. (2014). Moving from marketization to marketing of higher education: The co-creation of value in higher education. *Higher Education Studies*, 4(1), 51-67.
- Khodadadi, A., Davari, A., Sabzali, F., Azizi, M., & Nosratinejad, F. (2012). [*Investigating the total budget of the country in 2012: Higher education and research* (Persian)]. Tehran: Research Center of Islamic Consultative Assembly.
- Khodadadi, A., Davari, A., Sabzali, F., Azizi, M., & Nosratinejad, F. (2014). [*The total budget of the country in 2014: Higher education and research* (Persian)]. Tehran: Research Center of Islamic Consultative Assembly.
- Khodadadi, A., Sabzali, F., Davari, A. (2015). [*The total budget of the country in 2015: Higher education and research* (Persian)]. Tehran: Research Center of Islamic Consultative Assembly.
- Khodadadi, A., Davari, A., Zeraatkish, Y., & Sabzali, F. (2016). [*The total budget of the country in 2016: Higher education and research* (Persian)]. Tehran: Research Center of Islamic Consultative Assembly.
- Lauzon, A. C. (2013). University extension and public service in the age of economic globalization: A response to Thompson and Lamble. *Canadian Journal of University Continuing Education*, 26(1), 79-95.
- Mahjoob Eshrat Abadi, H. (2009). [*Investigating the growth trend of enrollment in private higher education in Iran during the years 1981-2008* (Persian)] [MA. thesis]. Tehran: University of Tehran.
- Maleki Nia, E. (2014). [*Designing a sustainable university assessment model: The case University of Tehran* (Persian)] [PhD. thesis]. Tehran: University of Tehran.
- McClellan, M. (2004). Public diplomacy in the context of traditional diplomacy. Paper Presented at Vienna Diplomatic Academy, Wien, Austria, 14 October 2004.
- Miyoshi, M. & Jameson, F. (1998). *The cultures of globalization*. Durham: Duke University Press.
- Neave, G. (2000). *The universities' responsibilities to society: International perspectives*. Oxford: Pergamum Press. [PMCID]
- Pan, M., & Wei, Y. (1995). *Legislation: Guarantee for Development of Private Higher Education*. Private Higher Education in Asian and Pacific: Regional Seminar. New York: United Nations.
- Robertson, R. (1992) *Globalization*. London: Sage.
- Scholte, J. A. (2003). *In globalization* [M. Karbasian Persian Trans.]. Tehran: Elmi Farhangi.
- Scott, P. (1998). *The globalization of higher education*. Buckingham: Open University Press.
- Slaughter, S., & Leslie, L. (1997). *Academic capitalism*. Baltimore: John Hopkins University Press.
- Sterling, S., Maxey, L., & Heather, L. (2013). *Sustainable university: Progress and prospects*. London: Routledge.

- Varghese, N. V. (2004). *Private higher education, Tbilisi, Georgia*. New York: United Nations.
- Weiler, H., Guri-Rosenblit, S. and Sawyerr, A. (2008). *Universities as centers of research and knowledge creation: an endangered species?* Summary Report. New York: United Nations.
- Zeraat Kish, Y., Khodadadi, A., Davari, A. (2016). [*Investigating the total budget of the country in 2018: Higher education and research* (Persian)]. Tehran: Research Center of Islamic Consultative Assembly.
- Zeraatkish, Y., Khodadadi, A., & Davari, A. (2017). [*Investigating the total budget of the country in 2018: Higher education and research* (Persian)]. Tehran: Research Center of Islamic Consultative Assembly.

